



فرمول لیست



عربی انسانی ۲

پایه یازدهم



مؤلف کتاب

خدیجه علی پور



مدرس ویدئویی

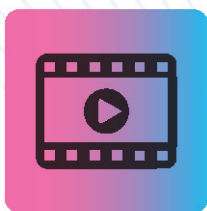
وهاب اصغری

فهرست

عجائب المخلوقات	درس سوم	مواظب قیمة	درس اول
واژگان	واژگان	واژگان	واژگان
۶۰	بسته ۱: معنی واژگان	۶	بسته ۱: معنی واژگان
۶۵	بسته ۲: کلمات مترادف	۱۱	بسته ۲: کلمات مترادف
۶۵	بسته ۳: کلمات متضاد	۱۲	بسته ۳: کلمات متضاد
۶۷	بسته ۴: جمع مکسر	۱۳	بسته ۴: جمع مکسر
۶۸	بسته ۵: انواع اسم	۱۴	بسته ۵: انواع اسم
ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم
۶۹	بسته ۱: متن درس	۱۶	بسته ۱: متن درس
۷۴	بسته ۲: «إِعلموا» و «جِوا»	۱۹	بسته ۲: «إِعلموا» و «جِوا»
۷۷	بسته ۳: تمرین	۲۴	بسته ۳: تمرین
قواعد	قواعد	قواعد	قواعد
۸۱	بسته ۱: أسلوب الشرط و أدواته	۳۰	بسته ۱: إسم التفضیل و إسم امکان
		۳۲	بسته ۲: اعداد
تأثیر اللغة الفارسیة ...	درس چهارم	صناعة التلميع في ...	درس دوم
واژگان	واژگان	واژگان	واژگان
۸۶	بسته ۱: معنی واژگان	۳۶	بسته ۱: معنی واژگان
۹۱	بسته ۲: کلمات مترادف	۴۱	بسته ۲: کلمات مترادف
۹۲	بسته ۳: کلمات متضاد	۴۲	بسته ۳: کلمات متضاد
۹۳	بسته ۴: جمع مکسر	۴۳	بسته ۴: جمع مکسر
۹۴	بسته ۵: انواع اسم	۴۴	بسته ۵: انواع اسم
ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم
۹۵	بسته ۱: متن درس	۴۶	بسته ۱: متن درس
۱۰۰	بسته ۲: إعلموا	۵۱	بسته ۲: إعلموا
۱۰۲	بسته ۳: تمرین	۵۲	بسته ۳: تمرین
قواعد	قواعد	قواعد	قواعد
۱۰۷	بسته ۱: المعرفة و النكرة	۵۶	بسته ۱: إسم الفاعل و إسم المفعول و ...
۱۰۹	بسته ۲: ترجمة الفعل المضارع (۱)		

فهرست

درس پنجم	الصدق	درس هفتم	لا تَقْنَطُوا
واژگان	واژگان	واژگان	واژگان
بسته ۱: معنی واژگان	۱۱۲	بسته ۱: معنی واژگان	۱۵۸
بسته ۲: کلمات مترادف	۱۱۷	بسته ۲: کلمات مترادف	۱۶۲
بسته ۳: کلمات متضاد	۱۱۷	بسته ۳: کلمات متضاد	۱۶۳
بسته ۴: جمع مکسر	۱۱۸	بسته ۴: جمع مکسر	۱۶۴
بسته ۵: انواع اسم	۱۱۹	بسته ۵: انواع اسم	۱۶۵
ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم
بسته ۱: متن درس	۱۲۰	بسته ۱: متن درس	۱۶۷
بسته ۲: «إِعلموا» و «جواب»	۱۲۴	بسته ۲: «إِعلموا» و «جواب»	۱۷۰
بسته ۳: تمرین	۱۲۷	بسته ۳: تمرین	۱۷۳
قواعد	قواعد	قواعد	قواعد
بسته ۱: الْجُمْلَةُ بَعْدَ التَّكْرَرِ	۱۳۱	بسته ۱: مَعَانِي الْأَفْعَالِ الْقَاصَّةِ	۱۷۸
درس ششم	اِرْحَمُوا ثَلَاثًا	پاسخ نامه تشریحی	
واژگان	واژگان	درس اول تا هفتم	۱۸۱
بسته ۱: معنی واژگان	۱۳۴		
بسته ۲: کلمات مترادف	۱۳۸		
بسته ۳: کلمات متضاد	۱۳۹		
بسته ۴: جمع مکسر	۱۴۰		
بسته ۵: انواع اسم	۱۴۱		
ترجمه و درک و فهم	ترجمه و درک و فهم		
بسته ۱: متن درس	۱۴۲		
بسته ۲: إعلموا	۱۴۶		
بسته ۳: تمرین	۱۴۹		
قواعد	قواعد		
بسته ۱: تَرْجُمَةُ الْفُعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)	۱۵۵		
		نمونه سؤال امتحانی	
		آزمون ۱: نوبت دوم	۲۲۴
		آزمون ۲: نوبت دوم	۲۲۶
		آزمون ۳: خرداد ماه ۱۴۰۳	۲۲۹
		آزمون ۴: شبیه نهایی ۱۴۰۴ (نوبت صبح)	۲۳۱
		آزمون ۵: شبیه نهایی ۱۴۰۴ (نوبت عصر)	۲۳۴
		آزمون ۶: خرداد ماه ۱۴۰۴	۲۳۷
		آزمون ۷: تیر ماه ۱۴۰۵	۲۴۰
		پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۷	۲۴۳



۴۰ ساعت آموزش
ویدئویی



کتاب
الکترونیکی

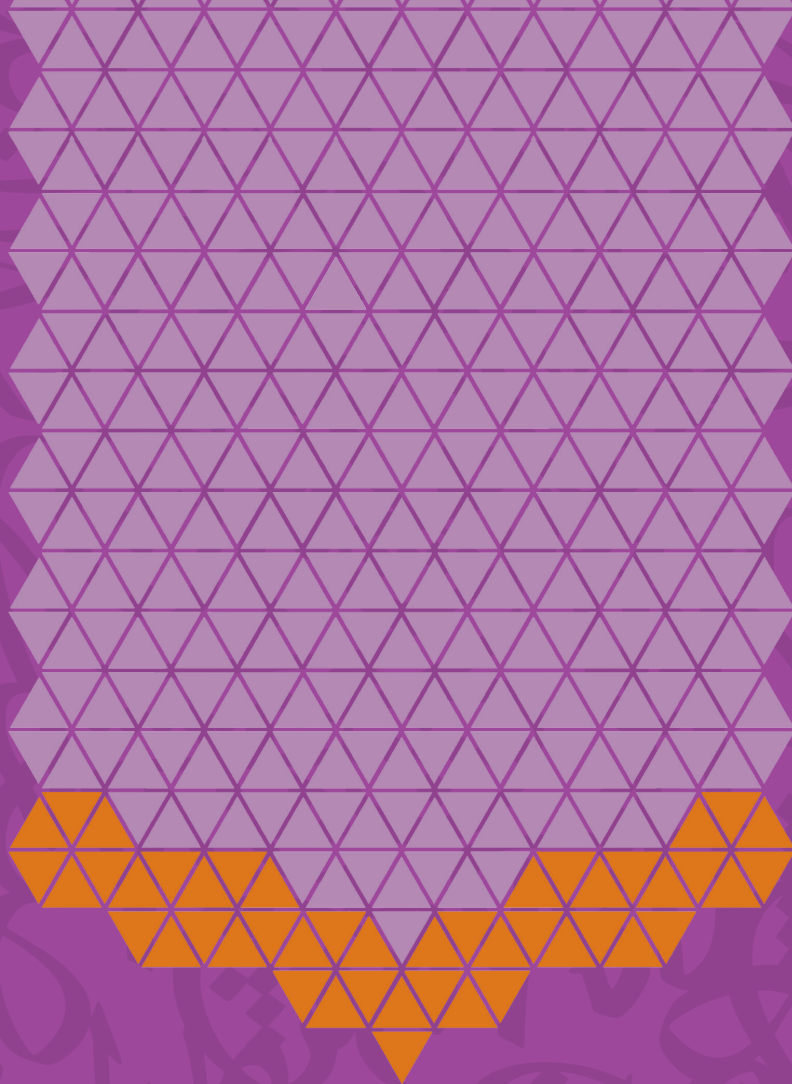
فرمول ۲۰ هیبرید یک کتاب نیست
یک دوره آموزشی کامل است



به دنیای هیبرید گاج
کتاب اختصاصی ورود



www.gajlive.ir



الْمَنْعَةُ

مَوَاعِظُ قِيَمَةٍ

قسمت واژگان

بسته ۱ معنی واژگان

شب	لَيْلَة	گفته شد که ...	قِيلَ أَنْ	صدایت را پایین بیاور	أَغْضَضُ مِنْ صَوْتِكَ
سوار شدن	رُكِبَ	نعمت داد	مَنْ		(ماضی: غَضَّ / مضارع: يُغَضُّ)
زشت	السَّيِّئِ	بخشید	وَهَبَ	میانه روی کن	اِقْتَصِدْ
صورت	وَجْه		(مضارع: يَهَبُ)		(ماضی: قَصَدَ / مضارع: يَقْصِدُ)
جدا و سواکن	مَيَّزَ	موعظه می کند	يَعْظُ	برپای دار	أَقِمَّ
خواست	أَرَادَ		(ماضی: وَعَظَ)		(ماضی: أَقَامَ / مضارع: يُقِيمُ)
دشنام داد	سَبَّ	فخر فروش	فَخُور		(أَقِمِ الصَّلَاةَ: نماز را برپای دار،)
	(مضارع: يَسُبُّ)	ارزشمند	قِيمَ	زشت تر، زشت ترین	أَنْكَرَ
دشنام	سَبَّ	بی گمان (حرف تأکید)	لَ	بازدار	إِنَّه
آرام باش	مَهْلًا	با تکبر رویت را	لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ		(ماضی: نَهَى / مضارع: يَنْهَى)
رها کن، ترک کن	دَعْ	برنگردان	(مضارع: يُصَعِّرُ)	دستور بده	أَوْمُرْ
دشنامگو	شَاتِمَ	راه نرو	لَا تَمْشِ		(وَأَوْمُرٌ = وَأُمْرٌ)
			(ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي)	خرها	حَمِيرَ
خوار شده	مُهَانًا	خودپسند	مُخْتَال	گونه	خَدَّ
بردباری	حِلْمَ	شادمانه و با ناز و	مَرَحًا	سفارش کرد	أَوْصَى
خاموشی	صَمْتَ	خودپسندی			(مضارع: يَوْصِي)
چه بسا	رُبَّ	راه رفتن	مَشْيِي، مَشْيِيَّة	به او	إِيَاءَ
شیواتر، رساتر	أَنْبَلَغَ	کار زشت و ناپسند	مُنْكَرَ	فخر فروشی	تَبَخَّرُ
برپا کرد	أَقَامَ	اندرزها، نصیحت ها	مَوَاعِظَ	دوری کردن	تَجَنَّبَ
	(مضارع: يُقِيمُ)	سودمند	نَافِعَة	اشاره می کند	تُشِيرُ
نمونه ها	نَمَازِجَ	پسرکم	بُئَيَّ	«أشاز: اشاره کرد»	
روباه ها	تَعَالِبَ	بالا برد	رَفَعَ	به شمار می آید	تُعَدُّ
گرگ ها	ذُنَابَ	بدون کوه	(مضارع: يَرْفَعُ)	چوپان	رَاعِي
شلوار	سِرْوَالَ	ایمان آوردیم	دُونَ جَبَلِ	[حالت] سیری	شَبَعَ
پرستار	مُمَرَّضَة	بیمارز	أَمَّنَّا	معاصر بود	عَاصِرَ
		رحم کن	إِغْفِرْ	معروف بود به ...	(مضارع: يُعَاصِرُ)
			إِزْحَمَ		عَرِفَ بِـ

فروشنده	بائعه	الأراذل	فرومایگان	مَطْبَعَة	چاپخانه
کشاورز	فَلَاخَة	الأفاضل	شایستگان	جَادِل	بحث کن
شایسته‌تر، شایسته‌ترین	أَصْلَح	مَلَك	فرمانروایی کرد	(ماضی: جَادَلَ / مضارع: يُجَادِلُ / مصدر: مُجَادَلَة)	
گونه	خَد	هَلَك	نابود کرد	أَعْلَم	آگاه‌تر، آگاه‌ترین
دندان	بِسن	سُئِلَ	پرسیده شد	ضَلَّ	گمراه شد
زبان	لِسان	أَجْمَلَ	زیباتر، زیباترین	(مضارع: يَضِلُّ / مصدر: ضَلَّالَة)	
خشنود کرد	أَرْضَى	خَيْرَ	بهتر، بهترین	أَنْبَقَى	ماندگارتر، ماندگارترین
(ما ارضی: خشنود نکرد)		شَرَّ	بدتر، بدترین	جَوَار	گفت‌وگو
خشنود کنی	ثَرَضَ	أَنْفَع	سودمندتر، سودمندترین	سوق	بازار
(مضارع: ثَرَضَ: خشنود می‌کنی)		الرَّجُل	انسان، مرد	بائع	فروشنده
خشمگین کرد	أَسْخَطَ	السَّكِينَة	آرامش	المَلَابِيس	لباس‌ها
(تُسَخِّطُ: خشمگین می‌کنی)		حَيَّ	بشتاب	مَرْحَباً بِكَ	خوش آمدی
(لَا أَسْخَطُ: خشمگین نکرد)		أَوْسَطَ	میانه‌ترین	بِسْعَر	قیمت
کیفر داد، مجازات کرد	عَاقَبَ	مَعَ	با، همراه	القَمِيصِ	پیراهن
(مضارع: تُعَاقِبُ: کیفر می‌دهی، مجازات می‌کنی)		أَفْضَلَ	بهتر، بهترین	أَرِيدَ	می‌خواهم
(عَوِيبٌ: کیفر شد) (لَا عَوِيبَ: کیفر نشد)		إِخْوَان	برادران	أَرْحَصَ	ارزان‌تر، ارزان‌ترین
زیبا	الْجَمِيلَ	أَهْدَى	هدیه کرد	غَالِيَة	گران
		(مضارع: يُهْدِي / مصدر: إِهْدَاء)		تَفْضَلِي	بفرما
بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	أكبر	أَلْفَ	هزار	أَيُّ	کدام
بلندتر، بلندترین	أَعْلَى	شَهْرَ	ماه	لَوْن	رنگ
عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد	عَابَ	الْبَهَائِمَ	چارپایان	عِنْدَكُمْ	دارید
(مضارع: يُعِيبُ: أَنْ تُعِيبَ: عیبی بگیری)		ذَوَالْوَجْهَيْنِ	دورو	أَبْيَضَ	سفید
خوب	حَسَنَ	مَلْعَبَ	ورزشگاه	أَسْوَدَ	سیاه
خوب‌تر، خوب‌ترین	أَحْسَنَ	مَطْعَمَ	رستوران	أَزْرَقَ	آبی
گران‌تر، گران‌ترین	أَعْلَى	مَصْنَعَ	کارخانه	أَخْمَرَ	قرمز
محبوب‌تر، محبوب‌ترین	أَحَبَّ	مَطْبَخَ	آشپزخانه	أَصْفَرَ	زرد
کم‌تر، کم‌ترین	أَقَلَّ	مَوْقِفَ	ایستگاه	بَنَفْسَجِي	بنفش
بزرگ‌تر	الْكُبْرَى	مَنْزِلَ	خانه	الْفَسَاتِينِ	پیراهن‌های زنانه
کوچک‌تر	الصُّغْرَى	مَكْتَبَة	کتابخانه	التَّوَعِيَاتِ	جنس‌ها
				نَوَعِيَة	جنس
				سَرَاوِيلَ	شلوارها
				مَثَجَر	مغازه

زَمِيلٌ	همکار	اِسْتَعْفَرَ	آمزش خواست	أَيَقُنْتُ	باور کردم
رَجَاءٌ	لطفاً	(مضارع: يَسْتَعْفِرُ / امر: اِسْتَعْفِرْ / مصدر: اِسْتِغْفَار)		مَوْضِعٌ	جایگاه
أَعْطِنِي، أَعْطِنِي	به من بده	سَافَرْتُ	سفر کردم	عَفُوٌ	گذشت
التَّخْفِيفُ	تخفیف	(مضارع: يُسَافِرُ / مصدر: مُسَافِرَةٌ)		أَشَدُّ	سخت تر، سخت ترین
دَفَعَ	پرداخت کرد	تَعَلَّمَ	یاد گرفت	مُعَاقِبِينَ	کیفردهندگان
(مضارع: يَدْفَعُ)		(مضارع: يَتَعَلَّمُ / امر: تَعَلَّمْ / مصدر: تَعَلَّمَ)		نِكَالٌ	کیفر
الذُّنُوبُ	گناهان	تَبَادُلٌ	عوض کرد	نِقْمَةٌ	انتقام
حَيًّا	زنده	(مضارع: يَتَبَادَلُ / امر: تَبَادَّلْ / مصدر: تَبَادَّلَ)		كِبْرِيَاءٌ	بزرگمنشی
ذَكَرَ	یاد کرد	عَلَّمَ	آمزش داد	أَذِنْتُ	اجازه دادی
(مضارع: يَذْكُرُ)		(مضارع: يُعَلِّمُ / امر: عَلِّمْ / مصدر: تَعْلِيم)		مَسْأَلَةٌ	درخواست
سَاءَ	بد شد	أَنْزَلَ	فرو فرستاد	مِدْحَةٌ	ستایش
خُلِقَ	اخلاق	(مضارع: يُنْزِلُ / مصدر: أَنْزَلَ)		أَجِبَ	جواب بده
عَذَّبَ	عذاب داد	رَسُولٌ	فرستاده	أَقْلَ	کم کن
(مضارع: يُعَذِّبُ / مصدر: تَعَذِّبُ)		وُشِعَ	توانایی	عَثْرَةٌ	لغزش
حَسَنْتَ	نیکو گردانیدی	عِبَادٌ	بندگان	كُرْبَةٌ	اندوه
(مضارع: يُحَسِّنُ / مصدر: تَحْسِينُ / نیکوگردان)		عَدَاوَةٌ	دشمنی	فَرْجَتٌ	گشودی
لَيْسَ	نیست	صَدَاقَةٌ	دوستی	هُمُومٌ	غمها
أَثْقَلَ	سنگین تر، سنگین ترین	تَمَّمَ	کامل کرد	أَكْمَلَ	کامل تر، کامل ترین
المِيزَانُ	ترازو	عَمَرْنَا	عمر کردیم	أَزَكَى	پاکیزه تر، پاکیزه ترین
قَدْ أَحْسَنَ	نیکی کرده است	عَلَبْنَا	چیره شدیم	أَطْهَرَ	پاک تر، پاک ترین
(مضارع: يُحْسِنُ / امر: أَحْسِنْ / مصدر: إِحْسَان)		مِفْتَاحٌ	کلید	أَشْنَى	بلندتر، بلندترین
إِقْتَرَبَ	نزدیک شد	مِصْبَاحٌ	چراغ	تَحَنَّنَتْ	مهر ورزیدی
(مضارع: يَقْتَرِبُ / مصدر: إِقْتِرَاب)		أَفْتَتَحُ	آغاز می کنم	سَلِّمَتْ	سلام دادی
إِنْكَسَرَ	شکسته شد	ثَنَاءٌ	سپاسگزاری	رُشِلَ	فرستادگان
(مضارع: يَنْكَسِرُ / مصدر: إِنْكَسَار)		صَوَابٌ	درست	صِفْوَةٌ	برگزیدگان

الف ترجمه واژگان (تیپ ۱)

- ۱ «وَلَا تَمْشِي فِي الْأَرْضِ مَرَحًا» (داخل و خارج خرداد ۱۴۰۴، قم خرداد ۱۴۰۲) ۷ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
- ۲ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ. (تهران خرداد ۱۴۰۲) ۸ «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»
- ۳ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. (تهران خرداد ۱۴۰۲) ۹ وَأُمُرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَإِنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ.
- ۴ «لَا تَصْعَرْ حَذَاكَ لِلنَّاسِ» ۱۰ أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.
- ۵ «إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتَ لَصُوتُ الْحَمِيرِ» ۱۱ إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.
- ۶ قَدَّمَ لِقَمَانِ الْحَكِيمِ لِأَنَّهُ مَوَاعِظَ قِيَمَةٍ. ۱۲ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيْمَانٍ.

- ۱۳ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ. ۱۸ يَخْتَلِفُ سِعْرُ تِلْكَ السَّرَاوِيلِ حَسَبَ التَّوَعَّاتِ.
- ۱۴ خَيْرُ الْإِخْوَانِ مَنْ أَهْدَى إِلَيْنَا عُيُوبَنَا. ۱۹ ذَلِكَ الْمُنْتَجِرُ لِمِيلِي وَهُوَ صَاحِبُ الْمَلْعَبِ أَيْضًا.
- ۱۵ «...إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» ۲۰ جَعَلْتُ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلَ شَيْءٍ مِنَ الْمَلَائِسِ.
- ۱۶ جَادِلْ إِخْوَانَكَ الْمُؤْمِنِينَ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. ۲۱ سَاءَ خُلُقُ صَدِيقِي عِنْدَمَا عَابَهُ الْآخَرُونَ.
- ۱۷ وَضَلْتُ إِلَى الْمَطْبَعَةِ بَعْدَ عَطَلَةِ الْمَصْنَعِ.

ب ترجمه واژگان (تیپ ۲)

- ۲۲ ذَلِكَ الرَّجُلُ الشَّاتِمُ مُخْتَالٌ وَهُوَ مِنَ الْأَرَادِلِ.
- (۱) فحاشگر - خود را می - افراد پست ○ (۲) بانشاط - مغرور - ناشایست ○ (۳) دشنام گو - خودپسند - فرومایگان
- ۲۳ مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنَ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْجَلِيمِ وَلَا أَسْخَطَ الشَّيْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ.
- (۱) خشنود نمی شوم - شکبیا - خاموشی ○ (۲) خشنود نکرد - بردباری - سکوت ○ (۳) راضی نمی شود - صبور - توانمندی
- ۲۴ «لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا»
- (۱) با تکبر برنگردان - صورت - شادمانه و با ناز و خودپسندی ○ (۲) غمگین نکن - چهره - با غرور و کبر ○ (۳) برنگرد - گونه - شادمانه و با غرور
- ۲۵ كَانَ الرَّجُلُ الْمُخْتَالُ قَدْ سَبَّ جَارَهُ بِأَنْكَرِ الْكَلِمَاتِ.
- (۱) خودپسند - دشنام داده بود - زشت ترین ○ (۲) مغرور - فحش داد - بدترین ○ (۳) خودشیفته - ترسانده بود - ناپسندترین
- ۲۶ سَبَّلَ صَاحِبُ الْمَطْبَعَةِ مَنْ بَاعَعَ الْكُتُبَ التَّارِيخِيَّةَ؟
- (۱) پرسیده شد - چاپخانه ○ (۲) سؤال کرد - کتابخانه ○ (۳) مسئول شد - انتشارات
- ۲۷ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ! تَبْدَأُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا.
- (۱) قیمت ها - هفتاد و پنج هزار ○ (۲) جنس ها - پنجاه و هفت هزار ○ (۳) مبلغ ها - پانصد و هفت هزار
- ۲۸ أَرَادَ الْمُشْتَرِي تَخْفِيفَ السَّعْرِ فِي الْمُنْتَجَرِ.
- (۱) ارزان کردن - تجارت ○ (۲) تخفیف - مغازه ○ (۳) کم کردن - هتل
- ۲۹ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»
- (۱) بهتر - هزار - ماه ○ (۲) بهترین - هر - شبی ○ (۳) خوب است - ماه - هزاران
- ۳۰ اشْتَرَيْتُ مِنَ السُّوقِ الْكَبِيرِ فَسَاتِنَ بِاللُّونِ الْأَصْفَرِ.
- (۱) بازار - پیراهن های زنانه - زرد ○ (۲) دکان - شلوارهایی - آبی ○ (۳) فروشگاه - دامن هایی - سبز

ج تشخیص کلمه ناهم‌هنگ (از نظر معنا)

- ۳۱ (۱) أَكْثَرُ ○ (۲) أَصْفَرُ ○ (۳) أَبْيَضُ ○ (۴) أَخْضَرُ ○ (داخل و خارج خرداد ۱۴۰۴)
- ۳۲ (۱) التَّلْعَبُ ○ (۲) الْكَلْبُ ○ (۳) الْمَرْحُ ○ (۴) الْجِمَارُ ○ (۵) الدُّنْبُ ○ (تهران خرداد ۱۴۰۲)
- ۳۳ (۱) أَحَبُّ ○ (۲) أَبْيَضُ ○ (۳) أَقْلُّ ○ (۴) أَعْلَى ○ (چهارمحال و بختیاری خرداد ۱۴۰۲)
- ۳۴ (۱) بَائِعَةٌ ○ (۲) فَلَاخَةٌ ○ (۳) قَيْمَةٌ ○ (۴) مُمَرِّضَةٌ ○
- ۳۵ (۱) أَثْقَلُ ○ (۲) أَسْمَعُ ○ (۳) أَحْسَنُ ○ (۴) أَشْهَرُ ○

۳۶	○ (۱) أَصْفَر	○ (۲) أَزْرَق	○ (۳) أَكْثَر	○ (۴) أَيْبَضَ	(خرداد ۱۴۰۲)
۳۷	○ (۱) أَحْسَنَ	○ (۲) أَجْمَلَ	○ (۳) أَحْمَرَ	○ (۴) أَصْلَحَ	(خرداد ۱۴۰۲)
۳۸	○ (۱) أَكْرَمَ	○ (۲) أَسْوَدَ	○ (۳) أَيْبَضَ	○ (۴) أَصْفَرَ	
۳۹	○ (۱) مَضَنَعَ	○ (۲) مَطْبَعَةَ	○ (۳) مُعَلِّمَةً	○ (۴) مَكْتَبَةً	(گیلان خرداد ۱۴۰۱)
۴۰	○ (۱) مَلْعَبَ	○ (۲) مَبْلَغَ	○ (۳) مَطْبَخَ	○ (۴) مَثْجَرَ	
۴۱	○ (۱) مِيزَانَ	○ (۲) فَسَاتِينَ	○ (۳) سِرْوَالَ	○ (۴) قَمِيصَ	
۴۲	○ (۱) سَوْقَ	○ (۲) بَائِعَ	○ (۳) جَوَارَ	○ (۴) مُشْتَرِيَ	
۴۳	○ (۱) مَوْقِفَ	○ (۲) السَّكِينَةَ	○ (۳) مَنَزِلَ	○ (۴) مَدْرَسَةَ	

د تشخیص کلمه مناسب برای جای خالی (تیپ ۱)

مُخْتَالٍ - الحِمَار - الشَّاتِم - المَطْبَعَة - مَطْعَم - ضَلَّ - مَوَاقِف - تَخْفِيز

۴۴	 مَكَانٌ لِنَشْرِ الْكُتُبِ وَ الْمَجَلَّاتِ.	(خرداد ۱۴۰۴)
۴۵	 هُوَ الَّذِي يَسُبُّ الْآخَرِينَ.	(خرداد ۱۴۰۴)
۴۶	« إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ فَخُورٌ »	
۴۷	 سَمِعْنَا صَوْتَ مِنْ خَلْفِ الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ مِنْ أَنْكَرِ الْأَصْوَاتِ.	
۴۸	 إِنَّ رَبِّي هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ عَنْ سَبِيلِهِ.	
۴۹	 كَانَ « عَلِيٌّ » مِنْ أَفْضَلِ الْأَمَاكِنِ فِي سَوْقٍ مَشْهُدٍ لِأَكْلِ الطَّعَامِ.	
۵۰	 أَرَادَتِ الْمَرْأَةُ الزَّائِرَةَ السَّعْرِ مِنْ بَائِعِ الْفَسَاتِينِ.	
۵۱	 هَذِهِ السَّيَّارَاتِ الثَّقِيلَةَ وَ الْآنَ فَارَعَتْ مِنْ آيَةِ سَيَّارَةٍ.	

ه تشخیص کلمه مناسب برای جای خالی (تیپ ۲)

۵۲	 الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ.	
۵۳	 النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.	
۵۴	 إِنَّ الْآلَةَ لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ.	
۵۵	 كَانَتْ الطِّفْلِ جَمِيلَةً وَ مَا رَأَيْتُ مِثْلَهَا.	
۵۶	 عَلَيْنَا بِالْإِبْتِعَادِ عَنِ الْأَعْمَالِ	
۵۷	 اشْتَرَيْتُ مِنْ الْكَبِيرِ مَلَابِيسَ لِأَخِي الصَّغِيرِ.	
۵۸	 اشْتَرَيْتُ سِرْوَالًا أَرْخَصَ مِنْ ذَلِكَ	
۵۹	 زَمِيلِي نَفْسَهُ لِأَنَّهُ ذُو خُلُقٍ فِي الْمَوَاجَهَةِ مَعَ الْآخَرِينَ.	
۶۰	 تَخْتَلِفُ هَذِهِ الْمَلَابِيسُ حَسَبَ وَ صَاحِبٍ لَا يُخَفِّضُ لِلْمُشْتَرِي.	

مفهوم واژگان (تیپ ۱)

9

۶۱ مکان تَهَيَّيْ النساءِ فِيهِ الْأَطْعَمَةُ لِأَهْلِهِنَّ.

○ (۱) مَطْعَم (۲) مَطْبَخ (۳) مَطْبَعَة

۶۲ وَسِيلَةٌ لَهَا كَفْتَانٍ لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ.

○ (۱) الميزان (۲) المَلْعَب (۳) الإِسْتِهْلَاك

۶۳ حَيَوَانٌ يُسْتَعْدَمُ لِلْحَمْلِ وَ الرُّكُوبِ.

○ (۱) الجِمار (۲) الذَّنْب (۳) الثَّغْلَب

۶۴ مِنْ الْأَعْمَالِ الْمَقْبُولَةِ:

○ (۱) الإعجابُ بِالنَّفْسِ (۲) سَبُّ النَّاسِ (۳) الكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ

۶۵ الْإِنْسَانُ الَّذِي لَا يَفْتَحِرُ بِنَفْسِهِ أَبَدًا.

○ (۱) المُهَان (۲) الْمُتَوَاضِع (۳) الْفَخُور

۶۶ شَرُّ النَّاسِ

○ (۱) الْمُقْتَصِد (۲) ذَوُ الْوَجْهَيْنِ (۳) التَّبَخُّثُ

۶۷ أَفْضَلُ زِينَةٍ لِلرَّجُلِ وَأَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى قَلْبِ رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.

○ (۱) حُسْنُ الْخُلُقِ (۲) سَكِينَة (۳) عُجْب

مفهوم واژگان (تیپ ۲)

ز

○ الف) آلهَ لِمَعْرِفَةِ وَزَنِ الْأَشْيَاءِ. (خرداد ۱۴۰۴)

○ ب) عُضْوٌ فِي الْوَجْهِ. (کرمان خرداد ۱۴۰۲)

○ ج) الْإِنْسَانُ الَّذِي يَفْتَحِرُ بِنَفْسِهِ كَثِيرًا. (داخل و خارج خرداد ۱۴۰۴، سیستان و بلوچستان خرداد ۱۴۰۲)

○ د) حَيَوَانٌ يُسْتَعْدَمُ لِلْحَمْلِ وَ الرُّكُوبِ. (ملاير خرداد ۱۴۰۲)

○ هـ) اجتناب التَّكْبُرِ.

○ و) هُوَ شَرُّ النَّاسِ.

○ ز) مِنْ أَكْبَرِ الْمَكَاتِبِ فِي جُنُوبِ إِيْرَانِ.

۶۸ الْخَدَّ

۶۹ الْجِمار

۷۰ التَّوَاضُع

۷۱ المختال

۷۲ ذُو الْوَجْهَيْنِ

۷۳ جُنْدِي سَابُور

۷۴ الميزان

کلمات مترادف

۲

بسته

قَبِيح	سَيِّء	أَكْبَر	أَعْظَم	أَحْسَن	خَيْر، أَفْضَل
بد، زشت		بزرگترین		بهترین، نیکوتر	
نَصَائِح	وَصَايَا، مَوَاعِظ	أَعْطَى	أَهْدَى	وَعَظَّ	نَصَح
پندها، نصیحت‌ها		هدیه کرد، داد، بخشید		نصیحت کرد	
جِنْس	نَوْعِيَّة	يَبُت	مَنْزِل	تَكَلَّمَ	تَحَدَّثَ
جنس		خانه		سخن گفت	
صَبْر	جِلْم	طَلَبَ	أَرَادَ	مُنْكَر	سَيِّئَة
بردباری		خواست		کار زشت و ناپسند	
وَأَجَابَت	فَرَأَضَ	تَقَضَّبَ	تَشْخِطُ	مُخْتَال	مُعْجَب بِنَفْسِهِ
تكاليف		خشمگین می‌شوی		خودپسند	
أُمُور	أَعْمَال	شُكُوت	صَمْتُ	أَنْكَرَ	أَقْبَحَ
کارها		خاموشی، سُكُوت		زشت‌تر، زشت‌ترین	
عَاقِل	حَكِيم			تُعْتَبَرُ	تُعَدُّ
خردمند، فرزانه				به‌شمار می‌آید.	

بسته

۳

کلمات متضاد

خَيْر	شَر	سَاء	حَسَن	أَكْثَر	أَجْمَل
بهترین، بهتر	بدترین، بدتر	بد شد	نیکو شد	زشت‌تر، زشت‌ترین	زیباتر، زیباترین
عداوة	صداقة	المَشْرِق	المَغْرِب	أَكْبَر	أَصْغَر
دشمنی	دوستی	مشرق	مغرب	بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	کوچک‌تر، کوچک‌ترین
عاقِل	جاهِل	الزَّاحِمِينَ	الظَّالِمِينَ	أَوْمَرُ	إِنَّه
خردمند	نادان	رحم‌کنندگان	ستمکاران	دستور بده	بازدار
كُبْرَى	صُغْرَى	أَكْثَر	أَقَل	كَيْد	صِدْق
بزرگ‌تر	کوچک‌تر	بیشتر، بیشترین	کم‌تر، کم‌ترین	کذب	دروغ
بائع	مُشْتَرِي	أَعْظَم	أَصْغَر	كَثِير	قَلِيل
فروشنده	خریدار	بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	کوچک‌تر، کوچک‌ترین	بسیار	اندک
أَبْيَض	أَسْوَد	صَالِحَة	سَيِّئَة	نافِعة	ضارة
سفید	سیاه	شایسته	زشت	سودمند	زیان‌بار
غَالِيَة	رَخِيصَة	أَرَادَل	أَفْاضِل	شكوت، صَمْتُ	كلام
گران	ارزان	فرومايگان	شایستگان	خاموشی	سخن
أَرْحَص	أَعْلَى	مَعْرُوف، الحَسَنَة	مُنْكَر	مُتَوَاضِع	مُخْتَال
ارزان‌تر	گران‌تر	نیکو	کار زشت و ناپسند	فروتن	خودپسند
تَجَنَّب	تَقَرَّب				
دوری	نزدیکی				

الف

تشخیص کلمات مترادف و متضاد (تپ ۱)

(خرداد ۱۴۰۳)

۷۵ عَيْنُ مُتَضَادٍّ «مُتَوَاضِعٌ»: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾

مُتَوَاضِعٌ ≠

۷۶ دَعَا الزُّجْلُ الْأَزْدُلُ صَدِيقَهُ وَ تَرَكَهُ الْبَائِعُ الْأَفْضَلُ فِي مَتَجَرِّهِ أَيْضًا.

الف) = ب) ≠

۷۷ سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ وَ أَرَادَ أَنْ يَحْفَظَهَا أَخِي الْأَصْغَرُ وَ طَلَبَ مِنِّي الْمُسَاعَدَةَ.

الف) = ب) ≠

۷۸ الصَّمْتُ ذَهَبَ وَ الْكَلَامُ فَضَّةٌ وَ الْعُجْبُ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ وَ الْقَبِيحَةُ.

الف) = ب) ≠

۷۹ رَجَاءٌ، أَعْطَنِي سِرْوَالًا أَبْيَضَ وَ قَمِيصًا أَسْوَدَ وَ أَرَادَ أَبِي لُونًا آخَرَ وَ طَلَبَ طِفْلِي ذَلِكَ اللَّوْنِ الْأَزْرَقَ.

الف) = ب) ≠

۸۰ يَا رَبَّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، إِغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَعْطِنَا الْحِلْمَ وَ الصَّبْرَ فِي الشَّدَائِدِ.

الف) = ب) ≠

۸۱ خَيْرُ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي وَ أَعْطَانِي خُلُقًا حَسَنًا بَعِيدًا مِنَ الْعَمَلِ السَّيِّئِ.

الف) = ب) ≠

۸۲ يَا وَلَدِي! حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ وَ عَجِّلْ فِي كَسْبِ الْفَضَائِلِ وَ ابْتَغِدْ عَنِ شَرِّ النَّاسِ.

الف) = ب) ≠

ب تشخیص کلمات مترادف و متضاد (تیپ ۲)

(خراسان رضوی خرداد ۱۴۰۱)

- ۸۳ أَحْسَن ○ أَفْضَل
۹۲ غَالِيَةٌ ○ رَخِيصَةٌ
۸۴ السَّيِّئَةُ ○ الْحَسَنَةُ
۹۳ سَاءٌ ○ حَسَنٌ
۸۵ الْقَبِيحَةُ ○ الْجَمِيلَةُ
۹۴ السُّكُوت ○ الْكَلَامُ
۸۶ أَقَلُّ ○ أَكْثَرُ
۹۵ عَدَاوَةٌ ○ صَدَاقَةٌ
۸۷ أَكْبَرُ ○ أَصْغَرُ
۹۶ أَرَادَ ○ طَلَبَ
۸۸ الْأَرَاذِلُ ○ الْأَفْاضِلُ
۹۷ دَع ○ أَتْرَكَ
۸۹ حَيٌّ ○ عَجَلٌ
۹۸ أَعْمَالُ ○ أُمُورُ
۹۰ خَيْرٌ ○ شَرٌّ
۹۹ صَمْتُ ○ كَلَامُ
۹۱ ضَلَّ ○ إِهْتَدَى

جمع مکسر

۴

بسته

مَلَابِس	مَلَابِس	مَشَاكِل	مَشَاكِل	مَوْاعِظ	مَوْاعِظ
لباس	لباس	مشکل	مشکل	پند، اندرز	پند، اندرز
أَشْعَار	أَشْعَار	حَمِير	حَمِير	وَصَايَا	وَصَايَا
سِغَر	سِغَر	خَر	خَر	وَصِيَّة	وَصِيَّة
قِيَمَت	قِيَمَت	أَحَادِيث	أَحَادِيث	سَفَارِش	سَفَارِش
رِجَال	رِجَال	حَدِيث	حَدِيث	قِصَص	قِصَص
مَرَد	مَرَد	سَخَن، حَدِيث	سَخَن، حَدِيث	دَاسْتَان	دَاسْتَان
فُسَاتِين	فُسَاتِين	أَخ	أَخ	حِكْمَة	حِكْمَة
پِیرَاهَن زَنَانَه	پِیرَاهَن زَنَانَه	بِرَادِر	بِرَادِر	دَانَايِي	دَانَايِي
سِرَوِيل	سِرَوِيل	عِيب	عِيب	أَوْلَاد	أَوْلَاد
شِلْوَار	شِلْوَار	نَقْص، اِیرَاد	نَقْص، اِیرَاد	وَلَد	وَلَد
قَرَائِص	قَرَائِص	بِهَائِم	بِهَائِم	فِرَزَنْد	فِرَزَنْد
وَاجِب دِینِی	وَاجِب دِینِی	چَارِبَا	چَارِبَا	أَعْمَال	أَعْمَال
عِبَاد	عِبَاد	مَدَرِسَة	مَدَرِسَة	كَار	كَار
بَنْدَه	بَنْدَه	مَدْرَسَه	مَدْرَسَه	أَرَاذِل	أَرَاذِل
تَعَالِب	تَعَالِب	مَلْعَب	مَلْعَب	فِرُومَايَه	فِرُومَايَه
رُوبَاه	رُوبَاه	وَرَزْشَگَاه	وَرَزْشَگَاه	أَفْضَل	أَفْضَل
ذِنَاب	ذِنَاب	مَطْعَم	مَطْعَم	شَايِسْتَه	شَايِسْتَه
گِرَگ	گِرَگ	رِسْتُورَان	رِسْتُورَان	کُتُب	کُتُب
أَشْهُر	أَشْهُر	مَنْزِل	مَنْزِل	کِتَاب	کِتَاب
مَاه	مَاه	خَانَه	خَانَه	کِتَاب	کِتَاب
				أَصْوَات	أَصْوَات
				صَوْت	صَوْت
				صَدَا	صَدَا

الف نوشتن مفرد یا جمع کلمات (تیپ ۱)

- ۱۰۰ کَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي؟ (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲) ۱۰۶ كَانَتْ الْمَطْبَعَةُ مِنْ أَفْضَلِ الْأَمَاكِنِ لِلْعَمَلِ فِيهَا.
- ۱۰۱ ﴿إِنْ أَنْكَرَ الْأَصْوَابَ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ ۱۰۷ فِي مَشْجَرٍ أَبِي سِرَاوِيلَ رَخِيصَةٌ وَفَسَاتِينٌ غَالِيَةٌ.
- ۱۰۲ قَرَأْتُ قِصَصًا تَارِيخِيَّةً قَبْلَ بَدَايَةِ الْعَامِ الدَّرَاسِيِّ. ۱۰۸ جَاءَ الرَّجُلُ عِنْدَ بَائِعِ الْقَلَابِيسِ وَطَلَبَ قَمِيصًا أَضْفَر.
- ۱۰۳ هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ جَبَلَ دِمَاوَنْدِ أَغْلَى جَبَلٍ فِي إِيرَانَ؟ ۱۰۹ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
- ۱۰۴ مُحَمَّدٌ هُوَ أَخِي الْأَكْبَرُ وَهُوَ يَعْمَلُ فِي الْمَصْنَعِ. ۱۱۰ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.
- ۱۰۵ أَعْرِفْ مَطْعَمًا مَشْهُورًا فِي خُوزِسْتَانِ مِنَ الْقَدِيمِ.

ب نوشتن مفرد یا جمع کلمات (تیپ ۲)

- ۱۱۱ أَفْضَلُ «مفرد»: (تهران خرداد ۱۴۰۲) ۱۱۷ أَكْبَرُ «جمع»: (تهران خرداد ۱۴۰۱)
- ۱۱۲ مَتَاجِرُ «مفرد»: (قم خرداد ۱۴۰۲) ۱۱۸ مَوَاقِفُ «مفرد»: (تهران خرداد ۱۴۰۱)
- ۱۱۳ مَطَاعِمُ «مفرد»: (بابل خرداد ۱۴۰۲) ۱۱۹ ثُعْلَبُ «جمع»: (تهران خرداد ۱۴۰۱)
- ۱۱۴ حِكْمُ «مفرد»: (فارس خرداد ۱۴۰۲) ۱۲۰ مَطْبَعَةُ «جمع»: (تهران خرداد ۱۴۰۱)
- ۱۱۵ مَوَاعِظُ «مفرد»: (تنگابن خرداد ۱۴۰۲) ۱۲۱ أَرْذَلُ «جمع»: (تهران خرداد ۱۴۰۱)
- ۱۱۶ مَلْعَبُ «جمع»: (آذربایجان غربی خرداد ۱۴۰۲) ۱۲۲ بَهِيمَةُ «جمع»: (تهران خرداد ۱۴۰۱)

ج نوشتن مفرد یا جمع کلمات (تیپ ۳)

- ۱۲۳ حِكْمُ ۱ حَكِيم ۲ حِكْمَةٌ
- ۱۲۴ وَصَايَا ۱ وَصِيَّة ۲ وَصِي
- ۱۲۵ مَطْعَمُ ۱ أَطْعَمَةٌ ۲ مَطَاعِمُ
- ۱۲۶ مَكَاتِبُ ۱ كِتَاب ۲ مَكْتَب

بسته ۵ انواع اسم

در این بسته انواع اسم‌های درس اول را همراه با معنی به طور کامل آورده‌ایم. از آن جایی که مطالب این بسته همهٔ سؤالات امتحانی را پوشش می‌دهد، توصیه‌مان این است که جدول زیر را حفظ کنید؛ ولی چنانچه تمایل دارید آموزش انواع اسم را ببینید به قسمت قواعد درس اول و دوم (صفحه‌های ۳۰ و ۵۶) مراجعه کنید.

اسم فاعل

- نافیعة سودمند
شائیم دشنامگو
صابر شکبیا
مُتَوَاضِعُ فروتن
مُتَكَبِّرُ خودبزرگبین
- مُفَرَّصَةٌ پرستار
رَاجِمِینَ (رَاجِم) رحم‌کنندگان
بائع فروشنده
زائِرَةٌ زیارت‌کننده
مُشْتَرِي خریدار
- خالق آفریننده
مُؤْمِنِینَ (مُؤْمِن) باایمان‌ها، مؤمنان
عَاقِلُ خردمند
جَاهِلُ نادان
سَامِعُ شنونده

اسم مفعول

- مُنْكَرٌ زشت و ناپسند
مُخْتَالُ خودپسند
مَعْيُوبُ عیب‌دار

اسم مبالغه

- فَلَاخَةٌ کشاورز

■ اسم مکان

مَكْتَب آیین	مَصْنَع کارخانه	مَكْتَبَة کتابخانه
مَلْعَب ورزشگاه	مَطْبَخ آشپزخانه	مَطْبَعَة چاپخانه
مَطْعَم رستوران	مَوْقِف ایستگاه	مَتَجَر مغازه
مَشْرِق مشرق	مَرَقِد بارگاه	مَشْهَد محلّ شهادت
مَغْرِب مغرب	مَنْزِل خانه	مَسْجِد مسجد

■ اسم تفضیل

أَكْبَر زشت‌تر، زشت‌ترین	أَزْدَل فرومایه‌تر، پست‌تر	أَوْسَط میانه‌تر، میانه‌ترین
أَحْسَن بهتر، بهترین	أَثْقَل سنگین‌تر، سنگین‌ترین	أَعْلَم آگاه‌تر، آگاه‌ترین
أَكْبَر بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	أَرْخَص ارزان‌تر، ارزان‌ترین	أَحَب محبوب‌تر، محبوب‌ترین
الْآخِرِينَ (الْآخِر) دیگران	أَبْقَى ماندگارتر، ماندگارترین	أَجْمَل زیباتر، زیباترین
أَرْحَم رحم‌کننده‌تر، رحم‌کننده‌ترین	أَنْفَع سودمندتر، سودمندترین	أَكْثَر بیش‌تر، بیش‌ترین
أَعْلَى بلندتر، بلندترین	أَفْضَل شایسته‌تر	أَقَل کم‌تر، کم‌ترین
أَحَب محبوب‌تر، محبوب‌ترین	خَيْر بهتر، بهترین	أَسْمَع شنو‌تر، شنو‌ترین
الْكَبْرَى بزرگ‌تر	شَر بدتر، بدترین	أَعْبَد عابدتر، عابدترین
الصُّغْرَى کوچک‌تر	أَجْمَل زیباتر، زیباترین	أَصْلَح شایسته‌تر، شایسته‌ترین

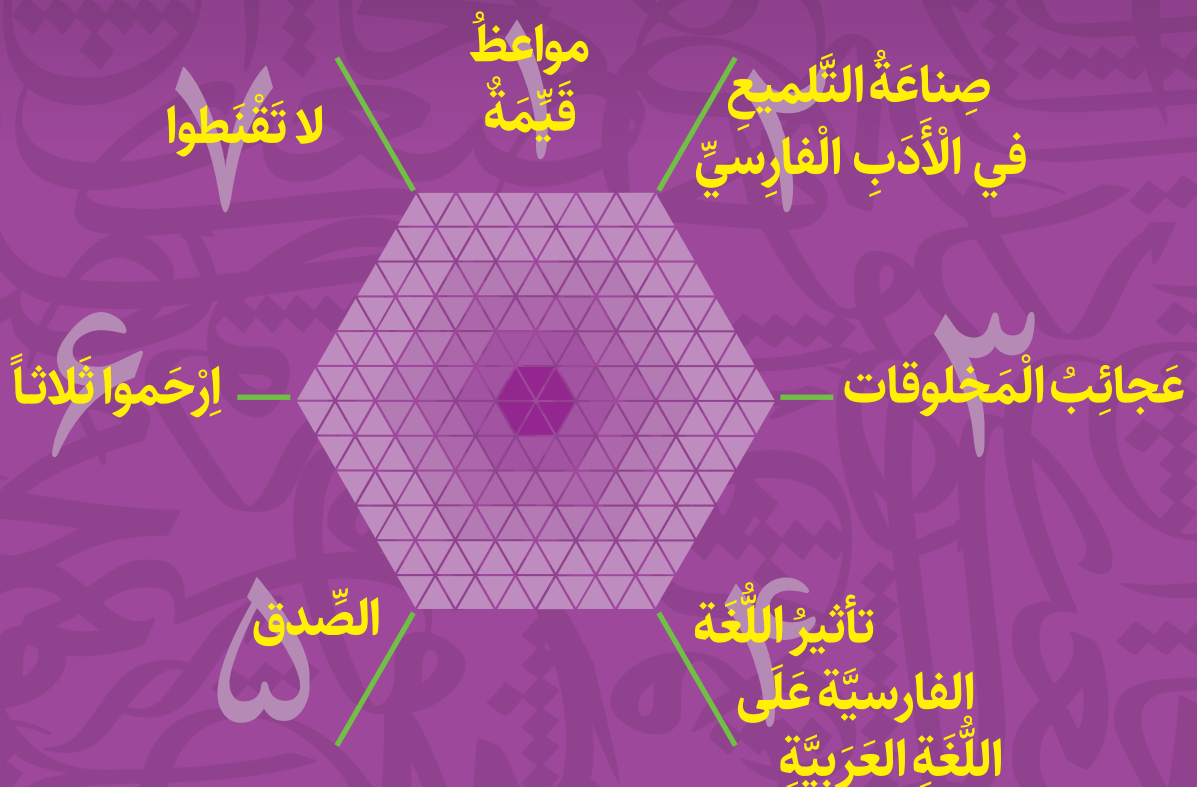
الف تشخیص انواع اسم

۱۲۷	أَرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى الْمَصْنَعِ.	(داخل و خارج خرداد ۱۴۰۴) ۱۳۵	عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.	(مرکزی خرداد ۱۴۰۰) ۱۲۸
۱۲۸	عَلَيْنَا أَنْ لَا تَتَكَبَّرَ عَلَى الْآخِرِينَ.	(خرداد ۱۴۰۴) ۱۳۶	كَانَتْ مَكْتَبَةُ جُنْدِيٍّ سَابورٍ فِي خَوْزِستانَ.	(مرکزی خرداد ۱۴۰۰) ۱۲۹
۱۲۹	أَحِبُّ مِنَ الْأُمُورِ أَوْسَطَهَا.	(خرداد ۱۴۰۳) ۱۳۷	خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ وَأَجْمَلُ مِنَ الْجَمِيلِ فَائِلُهُ.	
۱۳۰	«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»	(تذکابن خرداد ۱۴۰۲) ۱۳۸	«وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»	
۱۳۱	آسيا أكبر من أوروبا.	(دی خارج ۹۷) ۱۳۹	«فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ»	
۱۳۲	شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.	۱۴۰	ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ الْقَرِيبِ فِي سَوَاقِ مَشْهَدٍ.	
۱۳۳	أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ.	(خوزستان خرداد ۱۴۰۲) ۱۴۱	يَا أَزْهَمَ الرَّاحِمِينَ، ارْحَمْنَا بِفَضْلِكَ.	
۱۳۴	لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.	(تهران خرداد ۱۴۰۱)		

ب ترجمة انواع اسم

۱۴۲	خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا.	(کرمان خرداد ۱۴۰۰) ۱۴۵	أَرَادَ الْمُشْتَرِي مِنَ الْبَائِعِ التَّخْفِيفَ الْكَثِيرَ.	
۱۴۳	أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.	۱۴۶	لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.	
۱۴۴	أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ.	۱۴۷	جَبَلُ دَمَاوندٍ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيرانَ.	

پاسخنامہ تشریحی



مَوَاعِظُ قَیْمَةُ

پاسخ درس اول

۲۹ ۱ «خَيْرُ: بهتر» / «ألف: هزار» / «شَهْر: ماه» - شب قدر بهتر از هزار ماه است.

۳۰ ۱ «السُّوق: بازار» / «فَسَاتِين: پیراهن های زنانه» / «الأَصْفَر: زرد» - از بازار بزرگ پیراهن های زنانه ای به رنگ زرد خریدم.

۳۱ ۱ سه کلمه دیگر بر رنگ دلالت دارند.

بررسی گزینه ها

- (۱) بیشتر، بیشترین ✓ (۲) زرد ✗
(۳) سفید ✗ (۴) سبز ✗

۳۲ ۳ چهار کلمه دیگر نام حیوان هستند.

بررسی گزینه ها

- (۱) روباه ✗ (۲) سگ ✗
(۳) شادمانه و با ناز و خودپسندی ✓
(۴) خر ✗ (۵) گرگ ✗

۳۳ ۲ سه کلمه دیگر اسم تفضیل اند.

بررسی گزینه ها

- (۱) محبوب تر، محبوب ترین ✗ (۲) سفید ✓
(۳) کم تر، کم ترین ✗ (۴) گران تر، گران ترین ✗

۳۴ ۳ سه کلمه دیگر بر شغل دلالت دارند.

بررسی گزینه ها

- (۱) فروشنده ✗ (۲) کشاورز ✗
(۳) با ارزش ✓ (۴) پرستار ✗

۳۵ ۴ سه کلمه دیگر اسم تفضیل اند.

بررسی گزینه ها

- (۱) سنگین تر، سنگین ترین ✗
(۲) شنواتر، شنواترین ✗
(۳) بهتر (نیکوتر)، بهترین (نیکوترین) ✗
(۴) ماه ها ✓

۳۶ ۳ سه کلمه دیگر بر رنگ دلالت دارند.

بررسی گزینه ها

- (۱) زرد ✗ (۲) آبی ✗
(۳) بیشتر، بیشترین ✓ (۴) سفید ✗

۳۷ ۳ سه کلمه دیگر اسم تفضیل اند.

بررسی گزینه ها

- (۱) نیکوتر، نیکوترین ✗ (۲) زیباتر، زیباترین ✗
(۳) قرمز ✓ (۴) شایسته تر، شایسته ترین ✗

۳۸ ۱ کلمات دیگر بر رنگ دلالت دارند.

بررسی گزینه ها

- (۱) گرمی تر، گرمی ترین ✓ (۲) سیاه، مشکی ✗
(۳) سفید ✗ (۴) زرد ✗

۱ و در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی راه مرو.

۲ ای پسرکم! نماز را به پادار.

۳ محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا، سودمندترینشان به بندگانیش است.

۴ با تکبر و ریت را از مردم برنگردان.

۵ قطعاً زشت ترین صداها بی گمان صدای خران است.

۶ لقمان حکیم پنجاهای ارزشمندی به پسرش تقدیم کرد.

۷ بهترین کارها میانه ترین آن ها است.

۸ و آخرت، بهتر و ماندگارتر است.

۹ و به کار نیک دستور بده و از کار زشت و ناپسند بازدار.

۱۰ بزرگ ترین عیب آن است که آنچه مانندش در توست را عیب بشماری.

۱۱ هرگاه فرومایگان فرمانروایی کنند شایستگان هلاک می شوند.

۱۲ بهترین آراستگی مرد آرامش به همراه ایمان است.

۱۳ به سوی بهترین کار بشتاب.

۱۴ بهترین برادران کسی است که عیب هایمان را به ما هدیه کند.

۱۵ همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد، آگاه تر است.

۱۶ با برادران با ایمان با [روشی] که آن نیکوترین است، گفت و گو کن.

۱۷ پس از تعطیلی کارخانه به چاپخانه رسیدم.

۱۸ قیمت آن شلوارها بر اساس جنس ها فرق می کند.

۱۹ آن مغازه همکارم است و او همچنین صاحب ورزشگاه است.

۲۰ در ترازو سنگین ترین چیز از لباس ها را قرار دادم.

۲۱ اخلاق دوستم بد شد هنگامی که دیگران از او عیب جویی کردند.

۲۲ ۳ «الشَّام: دشنام گو» / «مُخْتَال: خودپسند» / «الأَرَاؤِل: فرومایگان» -

آن مرد دشنامگو، خودپسند و او از فرومایگان است.

۲۳ ۲ «مَأْرُضِي: خشنود نکرد» / «الجُلْم: بردباری» / «الضَّمْت: سکوت» -

مؤمن پروردگارش را با (چیزی) مانند بردباری خشنود نکرد و شیطان

را با (چیزی) مانند سکوت خشمگین نکرد.

۲۴ ۱ «لَا تُضَعِرْ: با تکبر برنگردان» / «حَدَّ: روی، صورت» / «مَرَحاً:

شادمانه و با ناز و خودپسندی» - با تکبر و ریت را از مردم برنگردان و

در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی راه مرو.

۲۵ ۱ «المُخْتَال: خودپسند» / «[كَانَ] قَدْ سَبَّ: دشنام داده بود» /

«أَنْكَرَ: زشت ترین» - مرد خودپسند همسایه اش را به زشت ترین

کلمه ها دشنام داده بود.

۲۶ ۱ «سُئِلَ: پرسیده شده» / «المَطْبَعَة: چاپخانه» - از صاحب

چاپخانه پرسیده شد: فروشنده کتاب های تاریخی کیست؟

۲۷ ۱ «الأَسْعَار: قیمت ها» / «خَمْسَةٌ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا: هفتاد و پنج هزار» -

قیمت ها گران است از هفتاد و پنج هزار شروع می شود.

۲۸ ۲ «تَخْفِيفُ: تخفیف» / «المُتَجَر: مغازه» - مشتری در مغازه تخفیف

قیمت را خواست.

۳۹ کلمات دیگر براسم مکان دلالت دارند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) کارخانه ✗ (۲) چاپخانه ✗
(۳) معلم ✓ (۴) کتابخانه ✗

۴۰ سه کلمه دیگر براسم مکان اند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ورزشگاه ✗ (۲) مبلغ ✓
(۳) آشپزخانه ✗ (۴) مغازه ✗

۴۱ سه کلمه دیگر برلباس دلالت دارند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ترازو ✓ (۲) پیراهن‌های زنانه ✗
(۳) شلوار ✗ (۴) پیراهن ✗

۴۲ هر سه کلمه در یک ردیف معنایی اند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) بازار ✗ (۲) فروشنده ✗
(۳) گفت‌وگو ✓ (۴) خریدار ✗

۴۳ سه کلمه دیگر براسم مکان هستند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ایستگاه ✗ (۲) آرامش ✓
(۳) خانه ✗ (۴) مدرسه ✗

۴۴ المَطْبَعَة ← چاپخانه جایی است برای نشر کتاب‌ها و مجله‌ها.

۴۵ الشَّاتِم ← دشنام‌گو همان کسی است که دیگران را دشنام می‌دهد.

۴۶ مُخْتَال ← قطعاً خداوند هر خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.

۴۷ الحِمَار ← صدای خُران را از پشت کوه‌ها شنیدیم و آن از زشت‌ترین صداهاست.

۴۸ ضَلَّ ← قطعاً پروردگار آگاه‌تر است به کسی که از راهش گمراه شد.

۴۹ مَطْعَم ← غذاخوری علی از بهترین مکان‌ها در بازار مشهد برای خوردن غذاست.

۵۰ التَّخْفِيز ← خانم زائر از فروشنده پیران‌های زنانه، تخفیف قیمت را خواست.

۵۱ مَوَاقِف ← این ایستگاه‌های ماشین‌های سنگین است و اکنون خالی از هر خودرویی است.

۵۲ ۱ برترین کارها به دست آوردن از [راه] حلال است.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) برترین ✓ (۲) بدترین ✗ (۳) زشت‌ترین ✗

۵۳ ۱ داناترین (آگاه‌ترین) مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود بیفزاید.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) داناترین ✓ (۲) می‌داند ✗ (۳) خواهد دانست ✗

۵۴ ۳ همانا ترازو وسیله‌ای برای شناخت وزن اشیا است.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) کلید ✗ (۲) چراغ ✗ (۳) ترازو ✓

۵۵ ۲ چهره کودک زیبا بود و ماندنش ندیده بودم.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ماه ✗ (۲) چهره ✓ (۳) ستون ✗

۵۶ ۱ باید از کارهای زشت دوری کنیم.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) زشت ✓ (۲) نیکو ✗ (۳) شایسته ✗

۵۷ ۳ از بازار بزرگ لباس‌هایی برای برادر کوچکم خریدم.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) میانه‌رو ✗ (۲) بالاتر ✗ (۳) بازار ✓

۵۸ ۱ شلواری ارزان‌تر از آن مغازه خریدم.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) مغازه ✓ (۲) رستوران ✗ (۳) ورزشگاه ✗

۵۹ ۳ همکارم خودش را عذاب داد زیرا او صاحب اخلاقی بد در ارتباط با دیگران است.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) خوبی کرد - ارزان ✗

- (۲) بد کرد - بزرگ ✗

- (۳) عذاب داد - بد ✓

۶۰ ۳ این لباس‌ها بر اساس جنس‌ها فرق دارند و صاحب مغازه به مشتری تخفیف نمی‌دهد.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) تخفیف دادن - شلوارها ✗

- (۲) قیمت‌ها - فروشنده ✗

- (۳) جنس‌ها - مغازه ✓

۶۱ ۲ جایی است که خانم‌ها در آن برای خانواده‌شان، غذاها را آماده می‌کنند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) غذاخوری ✗ (۲) آشپزخانه ✓ (۳) چاپخانه ✗

۶۲ ۱ وسیله‌ای که دو کفه دارد برای شناخت وزن اشیا.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) ترازو ✓ (۲) ورزشگاه ✗ (۳) مصرف ✗

۶۳ ۱ حیوانی است که برای باربری و سوارشدن، به کار گرفته می‌شود.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) خر ✓ (۲) گرگ ✗ (۳) روباه ✗

۶۴ ۳ از کارهای مورد قبول.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) خودپسندی ✗

- (۲) دشنام مردم ✗

- (۳) به‌دست آوردن از [راه] حلال ✓

۶۵ ۲ انسانی که هرگز به خودش افتخار نمی‌کند.

بررسی گزینه‌ها

- (۱) خوارشده ✗ (۲) فروتن ✓ (۳) فخرفروش ✗

۶۶ بدترین مردم

بررسی گزینه‌ها

- ۱) صرفه جو ✗ (۲) دورو ✓ (۳) فخرفروشی ✗
- ۶۷ بدترین آراستگی برای مرد است و خداوند آن را بر قلب رسولش و بر مؤمنان نازل کرده است.
- ۱) خوش اخلاقی ✗ (۲) آرامش ✓ (۳) خودپسندی ✗
- ۶۸ گونه، چهره ← (ب) عضوی است در صورت
- ۶۹ خر ← (د) حیوانی است که برای باربری و سوار شدن به کار گرفته می‌شود.
- ۷۰ فروتنی ← (ه) دوری از خودبزرگ بینی
- ۷۱ خودپسند ← (ج) انسانی که بسیار به خودش افتخار می‌کند.
- ۷۲ دورو ← (و) او بدترین مردم است.
- ۷۳ جندی شاپور ← (ز) از بزرگ‌ترین کتابخانه‌ها در جنوب ایران است.
- ۷۴ ترازو ← (الف) وسیله‌ای برای شناخت وزن اشیاء.
- ۷۵ «قطعاً خداوند هر خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.»
- مُتَوَاضِع (فروتن) ✗ مُخْتَال (خودپسند)
- ۷۶ مرد فرومایه دوستش را ترک کرد و فروشنده شایسته نیز او را در مغازه‌اش رها کرد.
- الف) دَعَا = تَرَكَ (رها کرد، ترک کرد)
- ب) الْأَرْدَل (پست‌تر، فرومایه) ✗ الْأَفْضَل (برتر)
- ۷۷ سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است و برادر کوچک‌ترم خواست آن را حفظ کند و از من یاری خواست.
- الف) أَرَادَ = طَلَبَ (خواست)
- ب) الْأَصْغَر (کوچک‌تر) ✗ أَكْبَر (بزرگ‌تر)
- ۷۸ سکوت تلاست و سخن گفتن نقره است و خودپسندی از اخلاق‌های بد و زشت است.
- الف) السَّيِّئَةُ = الْقَبِيحَةُ (بد، زشت)
- ب) الصَّمْتُ (خاموشی) ✗ الْكَلَامُ (سخن گفتن)
- ۷۹ لطفاً به من شلواری سفید و پیراهنی مشکی بده و پدرم رنگی دیگر خواست و کودکم آن رنگ آبی را خواست.
- الف) أَرَادَ = طَلَبَ (خواست)
- ب) أَبْيَض (سفید) ✗ أَسْوَد (مشکی)
- ۸۰ پروردگار مشرق و مغرب، ما را بیامرز و به ما رحم کن و به ما بردباری و صبر در سختی‌ها عطا فرما.
- الف) الْجَلَمُ = الصَّبْر (بردباری، صبر)
- ب) الْمَشْرِقُ (مشرق) ✗ الْمَغْرِبُ (مغرب)
- ۸۱ بهترین برادران من کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه دهد و به من اخلاقی نیکو به دور از کار زشت بدهد.
- الف) أَهْدَى = أَعْطَى (هدیه داد، بخشید)
- ب) حَسَنًا (خوب، نیکو) ✗ السَّيِّئُ (بد)
- ۸۲ ای فرزندانم، به سوی بهترین کار بشتاب و در به دست آوردن فضیلت‌ها شتاب کن و از بدترین مردم دوری کن.
- الف) حَيَّ = عَجَّلَ (بشتاب)
- ب) خَيْرَ (بهترین) ✗ شَرَّ (بدترین)

۸۳ نیکوترین = بهترین

۸۴ زشت، بد ✗ خوبی، نیک

۸۵ زشت ✗ زیبا

۸۶ کم‌تر ✗ بیشتر

۸۷ بزرگ‌تر ✗ کوچک‌تر

۸۸ فرومایگان ✗ شایستگان

۸۹ بشتاب = عجله کن

۹۰ بهتر، بهترین، خوب، خوبی ✗ بدتر، بدترین، بد، بدی

۹۱ گمراه شد ✗ هدایت شد

۹۲ گران ✗ ارزان

۹۳ بد شد ✗ نیکو شد

۹۴ سکوت، خاموشی ✗ سخن گفتن

۹۵ دشمنی ✗ دوستی

۹۶ خواست = خواست

۹۷ ترک کن = ترک کن

۹۸ کارها = کارها

۹۹ خاموشی ✗ سخن

۱۰۰ بیغر جمع ← أشعار (قیمت‌ها)

۱۰۱ الخمير مفرد ← الجمار (خر)

۱۰۲ قِصَصاً مفرد ← قِصَّة (داستان)

۱۰۳ جَبَل جمع ← جبال (کوه‌ها)

۱۰۴ أَخ جمع ← إِخْوَة، إِخْوَان (برادران) / المَصْنَع جمع ← المَصَانِع (کارخانه‌ها)

۱۰۵ مَطْعَمًا جمع ← مَطَاعِم (غذاخوری‌ها)

۱۰۶ أَفْضَل جمع ← أَفْاضِل (شایستگان)

۱۰۷ مَتَجَر جمع ← مَتَاجِر (مغازه‌ها) / سَرَاوِيل مفرد ← سِرْوَال (شلوار) /

فَسَاتِين مفرد ← فُستان (پیراهن زنانه)

۱۰۸ الرَّجُل جمع ← الرِّجَال (مردان) / المَلَائِس مفرد ← المَلَبَس (لباس)

۱۰۹ عِبَاد مفرد ← عَبْد (بنده)

۱۱۰ الْأُمُور مفرد ← الْأَمْر (مسئله، کار)

۱۱۱ أَفْاضِل مفرد ← أَفْضَل (شایسته)

۱۱۲ مَتَاجِر مفرد ← مَتَجَر (مغازه)

۱۱۳ مَطْعَم مفرد ← مَطْعَم (غذاخوری)

۱۱۴ حِكَم مفرد ← حِكْمَة (دانایی، دانش)

۱۱۵ مَوَاعِظ مفرد ← مَوْعِظَة (پند، اندرز)

۱۱۶ مَلْعَب جمع ← مَلَاعِب (ورزشگاه‌ها)

۱۱۷ أَكْبَر جمع ← أَكَابِر (بزرگان)

۱۱۸ مَوَاقِف مفرد ← مَوْقِف (ایستگاه)

۱۱۹ ثَعَالِب جمع ← ثَعَالِب (روباه‌ها)

۱۲۰ مَطْبَعَة جمع ← مَطَاعِب (چاپخانه‌ها)

- ۱۴۹ همانا خداوند کسی را که بر نماز در اول وقت آن محافظت می‌کند، دوست می‌دارد.
- ۱۵۰ ما نباید بر دیگران کبر بورزیم.
- ۱۵۱ با تکبر رویت را از مردم برگردان و در زمین با شادمانی و ناز و خودپسندی راه مرو.
- ۱۵۲ ای پسرکم! نماز را برپادار و به کار نیک دستور بده و از کار زشت و ناپسند باز مدار.
- ۱۵۳ و صدايت را پايين بياور زيرا زشت‌ترین صداها بی‌گمان صدای خران است.
- ۱۵۴ تو نباید صدايت را بالای صدای پدر و مادر بالا ببری.
- ۱۵۵ بی‌گمان لقمان حکیم با داود پیامبر خدا هم‌دوره بوده است و به حکیم معروف بوده است.
- ۱۵۶ سفارش‌های لقمان یکی از داستان‌های قرآنی به شمار می‌آید که به حکمت اشاره می‌کند.
- ۱۵۷ خداوند به لقمان دانایی بخشیده است و او بنده‌ای حبشی بود.
- ۱۵۸ گفته شده است که لقمان چوپان بود ولی خداوند والا مرتبه نعمت حکمت را به او داد.
- ۱۵۹ ای پسرکم به خدا شرک نورز، قطعاً شرک ظلمی بزرگ است.
- ۱۶۰ ۲ «خَيْرُ أَصْدِقَائِكَ: بهترین دوستانت» / «لَا يَمُشِي: راه نمی‌رود» / «مَرَحاً: شادمانه و با ناز و خودپسندی»
- ۱۶۱ ۱ «آتينا: دادیم» / «حِكْمَةً: دانایی»
- ۱۶۲ ۲ «كَانَ يَنْهَى: باز می‌داشت» / «وَلَدَهُ: فرزندش» / «التَّبَخُّثُ: فخرفروشی»
- ۱۶۳ ۱ «لَا تَصْعُرْ: با تکبر برگردان» / «حَدِّكَ: رویت» / «لَا تَمْشِي: راه نرو» / «مَرَحاً: شادمانه و با ناز و خودپسندی»
- ۱۶۴ ۲ «أَنْتَكَرُ زَشْتِ تَرِينِ» / «الْأَصْوَات: صداها» / «أَلْ: قطعاً» / «الْحَمِير: خران»
- ۱۶۵ با تکبر برگردان (: لَا تَصْعُرُ) / شادمانه و با ناز و خودپسندی (: مَرَحاً)
- ۱۶۶ راه رفتن (: مَشِيكَ) / پايين بياور (: اَغْضُضْ) / زشت‌ترین (: أَنْكَرُ) / خران (: الْحَمِير)
- ۱۶۷ دوری (: تَجَنَّبْ) / [حالت] سیری (: شَبَعَ)
- ۱۶۸ اندر زها (: الْمَوَاعِظُ) / به شمار می‌آید (: تُعَدُّ)
- ترجمه متن** همانا خداوند دوست می‌دارد کسی را که بر نماز در اول وقتش نگهداری می‌کند و ما باید به کارهای شایسته مشتاق باشیم. همانا خداوند هر خودپسندی را دوست ندارد. بنابراین ما نباید صداهايمان را بالای صدای مخاطب بالا ببریم. خداوند سخن کسی را که بدون دلیل منطقی صدایش را بالا می‌برد به صدای خرتشیه کرده است.
- ۱۶۹ آیا بر ما واجب است که صدایمان را پايين بياوريم؟ نَعَمْ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَرْفَعُ أَصْوَاتَنَا فَوْقَ صَوْتِ الْمُخَاطَبِ. (بله، ما نباید صداهايمان را بالای صدای مخاطب بالا ببریم.)
- ۱۷۰ خداوند کدام عمل را دوست دارد؟ يُحِبُّ اللَّهُ مُحَافَظَةَ الصَّلَاةِ فِي وَقْتِهَا. (خداوند نگهداری نماز در وقتش را دوست می‌دارد.)

- ۱۲۱ أَرَادَ **جمع** → أَرَادِل (فرومایگان)
- ۱۲۲ بَهِيمَةً **جمع** → بَهَائِم (چارپایان)
- ۱۲۳ ۲ **بررسی گزینه‌ها**
- ۱ حَكِيم (دانشمند) ✗
- ۲ حَكَم **مفرد** → حَكَمَة (دانایی، دانش) ✓
- ۱۲۴ ۱ **بررسی گزینه‌ها**
- ۱ وَصَايَا **مفرد** → وَصِيَّة (توصیه، پند، اندرز) ✓
- ۲ وَصِي: جانشین ✗
- ۱۲۵ ۲ **بررسی گزینه‌ها**
- ۱ (أَطْعَمَ: غذاها) ✗
- ۲ مَطْعَم **جمع** → مَطَاعِم (غذاخوری‌ها) ✓
- ۱۲۶ ۲ **بررسی گزینه‌ها**
- ۱ (كِتَاب: کتاب) ✗
- ۲ مَكَاتِب **مفرد** → مَكْتَب (جای تعلیم دانش) ✓
- ۱۲۷ «مُضَنَع» برون «مَفْعَل» → اسم المكان
- ۱۲۸ «الْآخِرِينَ» **مفرد** → «الْآخِر» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۲۹ «أَوْسَط» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۰ «خَيْر» به معنای «بهترین / بهتر» اسم تفضیل است.
- ۱۳۱ «أكبر» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۲ «شَرُّ» به معنای بدترین → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۳ «أَفْضَل» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۴ «أَنْقَل» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۵ «العَاقِل، الجَاهِل» برون «فَاعِل» → اسم الفاعِل
- ۱۳۶ «مَكْتَبَةٌ» برون «مَفْعَلَة» → اسم المكان
- ۱۳۷ «خَيْر» به معنای «بهتر» → اسم التَّفْضِيل / «فَاعِل، قَائِل» برون «فَاعِل» → اسم الفاعِل / «أَجْمَل» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۸ «الْآخِرَة» برون «فَاعِلَة» → اسم الفاعِل / خَيْر → به معنای «بهتر» → اسم التَّفْضِيل / «أَبْقَى» برون «أَفْعَى» → اسم التَّفْضِيل
- ۱۳۹ «الْمُؤْمِنِينَ» **مفرد** → «الْمُؤْمِن» (م) → اسم الفاعِل
- ۱۴۰ «الْمُتَجَرِّ، مُشْهَد» برون «مَفْعَل» → اسم المكان
- ۱۴۱ «أَزْجَم» برون «أَفْعَل» → اسم التَّفْضِيل / «الزَّاجِمِينَ» **مفرد** → «الزَّاجِم» برون «فَاعِل» → اسم الفاعِل
- ۱۴۲ بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.
- ۱۴۳ بزرگ‌ترین عیب آن است که آنچه مانند آن در توست را عیب بگیری.
- ۱۴۴ بهترین کارها به دست آوردن از [راه] حلال است.
- ۱۴۵ خریدار از فروشنده تخفیف زیاد خواست.
- ۱۴۶ در ترازوی [اعمال] چیزی سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست.
- ۱۴۷ کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.
- ۱۴۸ و در زمین شادمانه و با ناز و خودپسندی راه نرو زیرا خداوند هر خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.